فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

الگوی شش‌ضلعی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی

ادامه از صفحه یک

با این ملاحظه، اقتصاد شرکتی آن هم از جنس دانش‌بنیان، اقتصادی است که با انعطاف‌پذیری بالا در فضای مجازی بازیگری می‌کند و از آنجا که بازیگری در فضای مجازی مساوی است با قانونگذاری، روشن است هرقدر شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد، سهم بیشتری از قانونگذاری در فضای مجازی را به خود اختصاص خواهند داد. اگر به حرکت گوگل طی دهه اخیر توجه کنیم، روشن می‌شود که این شرکت همواره با شناسایی و خرید ده‌ها شرکت پرظرفیت در فضای مجازی، به دنبال گسترش قلمرو خود در همه عرصه‌ها و حکمرانی حداکثری بر فضای مجازی بوده است.

۱۰ روشن است شکل‌گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن‌سازی و جهانی شدن دارد، یک فرصت طلایی است. به بیان دیگر، من معتقدم شکسته شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه‌ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می‌بخشد. با این حال، همان‌طور که اشاره شد، سلطه فزاینده آمریکایی‌ها در این عرصه غیرقابل انکار است و اگر فکری برای مهار قدرت آمریکایی‌ها و تقویت بنیه جمهوری اسلامی در فضای مجازی نشود، نه‌فقط از فرصت‌های طلایی فضای مجازی نمی‌توان استفاده کرد، بلکه موجودیت انقلاب اسلامی به خطر خواهد افتاد. در این شرایط، اول از همه باید طرز تفکر واداده که قائل به لزوم هضم در فضای مجازی فعلی با هدف بقا است، به انزوا کشیده شود. آن طرز تفکری باید در متن جمهوری اسلامی باشد که نه‌فقط هضم شدن در فضای مجازی را قبول نداشته باشد، بلکه با ادراک مزیت‌های جمهوری اسلامی و در نقطه مقابل، نقاط ضعف آمریکایی‌ها در فضای مجازی، امکان رقابت با آمریکایی‌ها در این میدان را با کمک جهان اسلام و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع امکانپذیر بداند. ممکن است کسی بگوید، اندازه سرمایه‌گذاری ما در مقایسه با آمریکایی‌ها در فضای مجازی در خوشبینانه‌ترین وجه، یک به هزار هم نیست، آن‌وقت چگونه می‌توان توقع داشت که جمهوری اسلامی ایران خود را در موقعیت رقابت با آمریکایی‌ها در نظر بگیرد؟ در پاسخ می‌توان گفت نوع رقابت ما با آمریکایی‌ها نباید رقابت کلاسیک باشد بلکه آن رقابتی با آمریکایی‌ها موفقیت‌آمیز خواهد بود که نامتقارن و ناظر به نقاط ضعف آمریکایی‌ها در فضای مجازی طراحی شود، ضمن آنکه ما در این میدان تنها نیستیم و می‌توانیم شرکای قدرتمندی را برای خود پیدا کنیم که هرچند ممکن است در محتوا با انقلاب اسلامی همسو نباشند لکن در انهدام سلطه فناوری و اقتصادی آمریکایی‌ها در فضای مجازی با ما به صورت مقطعی یا دائم در یک خط قرار دارند.

۱۱ نباید از نظر دور داشت که امروز فضای مجازی به مهم‌ترین ابزار جنگ فرهنگی و حتی سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. درواقع، وقتی از فضای مجازی صحبت می‌کنیم، با یک شرایط معمولی روبه‌رو نیستیم به‌طوری که جمهوری اسلامی ایران از این جهت با کمتر کشوری قابل مقایسه است. حتی مساله چین و روسیه با آمریکایی‌ها و عمق درگیری آنها در فضای مجازی، با مساله و عمق درگیری جمهوری اسلامی با آمریکایی‌ها در فضای مجازی یک جنس و یک اندازه نیست. در این شرایط، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران نه‌فقط باید قدرت دفاعی خود را در درجه اول در محیط سرزمینی‌اش برای مقابله با هجمه آمریکایی‌ها بالا ببرد، بلکه باید توان خود را برای بازدارندگی دائما افزایش دهد. البته موقعیت جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی صرفا به جغرافیای سیاسی ایران محدود نیست و پیروان جمهوری اسلامی ایران در مناطق دیگر را هم شامل می‌شود، اما فعلا نقطه کانونی هجمه‌ها ایران است. اگر سوال شود استراتژی اصلی آمریکایی‌ها در هجمه‌های خود در فضای مجازی ایران- حداقل طی پنج سال گذشته- چه بوده است، در پاسخ می‌توان گفت جذب ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی تحت سیطره آمریکایی‌ها و انجام عملیات روانی روی آنها برای جدا شدن مردم از نظام اسلامی، آن چیزی است که آمریکایی‌ها در پنج سال گذشته با صرف انرژی زیاد دنبال کرده‌اند. این استراتژی به مراتب از استراتژی مختل کردن تاسیسات کشور از طریق حملات سایبری برای آمریکایی‌ها مهم‌تر است، هرچند در این زمینه هم کارهای مفصلی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده که بخش مهمی از آنها خنثی شده است. حتی ممکن است فکر تحریم اینترنت برای ایرانی‌ها از ذهن آمریکایی‌ها عبور کرده باشد ولی مادام که فضای مجازی مسیر ضربه زدن به جمهوری اسلامی را برای آنها هموار می‌کند، آنها تحریم ایران در این زمینه را از حد یک تحریم تبلیغاتی جلوتر نمی‌برند، کما اینکه سال‌هاست مثلا بعضی سرویس‌های کم‌اهمیت گوگل برای ایرانیان غیرفعال شده است.

۱۲ این سوال مطرح است که مزیت اصلی جمهوری اسلامی و آنچه می‌تواند شرایط ابتکار عمل در فضای مجازی را برای ما به وجود آورد، چیست؟ من در پاسخ عرض می‌کنم که ما چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و تقلا برای رشد زیرساختی و همچنین رشد فناورانه در این عرصه نداریم، اما روشن است که به دلیل فاصله‌ای که در این زمینه با آمریکایی‌ها داریم و سرعت برق‌آسایی که رشد فناوری‌ها در فضای مجازی دارند، لااقل از مسیرهای عادی نخواهیم توانست به سرعت به مرز فناوری‌های حاضر در فضای مجازی برسیم. به همین دلیل، ما باید در کنار پیدا کردن میانبر و تقلا برای رشد جهشی فناوری، به دنبال یک مزیت ویژه برای خودمان باشیم که دیگران خصوصا آمریکایی‌ها از آن برخوردار نباشند و از طریق آن بتوانیم خیلی‌زود شرایط را چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی، به نفع خودمان تغییر دهیم. به نظر من، محتوای ایدئولوژیک ما، همان مزیتی است که باید به صورت قوی و هنرمندانه از آن در جهت تغییر شرایط استفاده کرد. محتوای ایدئولوژیک ما همان نیرویی است که آمریکایی‌ها در برابر آن از خود نابردباری نشان می‌دهند و حاضرند هزینه‌های هنگفت سانسور و حذف آن در فضای مجازی را پرداخت کنند. درواقع، ما باید علاوه‌بر حضور فعال و اثرگذار در فضای مجازی تحت سیطره آمریکایی‌ها و تولید محتوای ایدئولوژیک خود در این فضا، وارد فاز ایجاد مناطق جدید و جذب کننده‌ای در فضای مجازی بشویم تا خارج از اپلیکیشن‌های آمریکایی بتوان به سمت تولید و انتشار زیرپوستی محتوای ایدئولوژیک خود برای مخاطب جهانی حرکت کرد. باید توجه داشت که منظور از این مناطق صرفا مناطقی با کارکرد فرهنگی یا سیاسی نیست بلکه می‌توان این مناطق را کاملا اقتصادی تعریف کرد و تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک را یک امر غیرمستقیم و زیرپوستی در نظر گرفت.

۹ اصول راهبردی جمهوری اسلامی در مواجهه با فضای مجازی

بعد از مقدمه نسبتا طولانی، اما ضروری، نوبت به بیان اصول راهبردی حاکم بر حکمرانی جمهوری اسلامی در فضای مجازی می‌رسد. این اصول، هم جمع‌بندی مقدمه‌ای است که عرض شد، هم نکات تازه‌ای است که ناظر به تفکر کلان جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی در قالب اصول راهبردی قابل طرح است:

اصل اول: فرصت‌نگری به فضای مجازی

فضای مجازی هم فرصت است و هم تهدید و میزان فرصت و تهدید و غلبه هر یک بر دیگری، به بنیه ما از جهات تکنیکی و محتوایی برمی‌گردد. اگر بنیه قوی‌ای داشته باشیم، فرصت‌ها بر تهدیدها غلبه می‌کند و اگر بنیه ضعیفی داشته باشیم، تهدیدها بر فرصت‌ها غلبه پیدا می‌کند، اما آنچه مسلم است، در یک نگاه کلان، فضای مجازی برای جمهوری اسلامی و ماموریت‌های بزرگ و تاریخی آن، یک فرصت ارزشمند است و باید هرطور شده، از آن به صورت حداکثری در جهت اهداف خود استفاده کند.

اصل دوم: صیانت از مرزهای ملی و دینی

با آنکه ما کمرنگ شدن نظم سیاسی دولت-ملت را با نگاه تمدنی و در درازمدت یک فرصت تلقی می‌کنیم، اما فعلا برای جمهوری اسلامی حفظ مرزهای سرزمینی و به طریق اولی پاسداری از مرزهای عقیدتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و لذا طبیعی است که در این مقطع نباید از هیچ کوششی برای تقویت حاکمیت خود در چارچوب نظم سیاسی دولت- ملت و تامین منافع ملی در این عرصه دریغ داشته باشد. بنابراین، ایجاد شبکه ملی اطلاعات و خوداتکایی در این مسیر، به علاوه ایجاد پدافند غیرعامل و حتی خلق قدرت بازدارندگی در جهت خنثی‌سازی هجمه‌های خصومت‌ورزانه جریان آمریکایی-صهیونیستی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

اصل سوم: حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم در فضای مجازی

برای جمهوری اسلامی هیچ‌چیزی نباید مهم‌تر از دفاع و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم در فضای مجازی تلقی شود. لذا ایجاد بسترها و مکانیسم‌های تحقق مردم‌سالاری و عدالت همه‌جانبه و گسترش فرصت‌های فعالیت‌های سودآور در کنار سالم‌سازی فضای مجازی از آلودگی‌های اخلاقی، عقیدتی و سیاسی یک اصل مهم در مواجهه جمهوری اسلامی با فضای مجازی محسوب می‌شود.

اصل چهارم: مواجهه فراملی با فضای مجازی

ما نباید به سمت جزیره‌گرایی و خود منزوی‌سازی در فضای مجازی حرکت کرده و کشور و انقلاب اسلامی را از فرصت‌های بی‌شمار فضای مجازی محروم کنیم، بنابراین، جا دارد در کنار صیانت از مرزهای ملی و دینی، حضور جمهوری اسلامی در فضای مجازی جهانی با هدف ارتباط و تعامل سازنده با ملت‌ها، پالایش فضای مجازی از آلودگی‌ها، شکستن هیمنه جریان آمریکایی-صهیونیستی و همچنین گسترش کسب‌وکار در فضای مجازی به رویکرد غالب کشور در فضای مجازی تبدیل شود.

اصل پنجم: سلطه‌گریزی و عدالت‌طلبی در فضای مجازی

سلطه جریان آمریکایی- صهیونیستی در فضای مجازی فراتر از به خطر انداختن منافع ملی، مانع از ادامه حیات و پیشروی خط متعالی انقلاب اسلامی در سطح داخلی و جهانی می‌شود. البته امروز حتی برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان هم نسبت به لزوم مقابله با سلطه آمریکایی‌ها در فضای مجازی باور پیدا کرده‌اند و با اهداف متفاوتی آن را دنبال می‌کنند، ولی آنچه مسلم است، از بین رفتن این سلطه برای جمهوری اسلامی چه از جهت سیاسی و اقتصادی، و مهم‌تر از آن، از جهت فکری و فرهنگی یک امر صددرصد حیاتی است. با این ملاحظه، از یک‌طرف، تلاش همه‌جانبه برای کاهش دایره اختیارات نامشروع آمریکایی‌ها در فضای مجازی و از طرف دیگر، پیگیری برای تحقق سیاست دو اینترنتی در جهان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

اصل ششم: تبدیل شدن به بازیگری بزرگ در فضای مجازی

چنانچه در مقدمه اشاره شد، امروز قانونگذاران اصلی در فضای مجازی شرکت‌های غولی هستند که نه‌فقط نقش اصلی در نوآوری‌های فناورانه در این عرصه دارند، بلکه بیشترین سهم را در اقتصاد فضای مجازی به خود اختصاص داده‌اند، بنابراین، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری شرکت‌های عظیم فراملی با هدف کسب سهم جدی توسط جمهوری اسلامی، و تبدیل شدن به یکی از قانونگذاران عمده در فضای مجازی یک اصل راهبردی مهم به شمار می‌رود.

اصل هفتم: مردم‌گرایی در فضای مجازی

در نظام مردم‌سالاری دینی، نه‌فقط تامین منافع و مصالح حقیقی مردم یک حق محسوب می‌شود، بلکه مردم نقش تماشاگر یا نقش تصنعی در امور کشور ندارند و باید زمینه برای مشارکت واقعی و موثر آنها فراهم شود. از همین‌جا، موضوع ارتقای دانش و بینش مردم در قبال فضای مجازی و سپس حضور و نقش‌آفرینی پررنگ آنان در این فضا قابل طرح است، با این تفاوت که مردم در فضای مجازی نقش ذاتی دارند؛ یعنی فضای مجازی بدون مردم بی‌معناست. در عین حال، به نظر می‌رسد در ارتباط با فضای مجازی، اولا، خط جمهوری اسلامی- برخلاف خط جریان آمریکایی-صهیونیستی- خط ناهوشیارسازی مردم و تبدیل آنان به بازار پرسود مصرف نیست و لذا حضور مردم در فضای مجازی یک حضور آگاهانه و موثر است و ثانیا مددخواهی از مردم آن هم توده مردم در همه زمینه‌ها به‌ویژه برای جریان‌سازی‌های عظیم و مبتکرانه محتوایی، قدرت کشور برای مواجهه فعال با فضای مجازی را چه در سطح داخلی و چه در سطح جهانی، به نحو فزاینده‌ای بالا خواهد برد.

اصل هشتم: اخلاق‌گرایی و صیانت از کرامت انسانی در فضای مجازی

نباید تردید داشت که فضای مجازی مسموم و فاسد نه‌فقط برای مردم ما، بلکه برای مردم دنیا مخرب است و در درازمدت تهدیدهای این فضا را بر فرصت‌های آن مسلط خواهد ساخت. از طرف دیگر، انسان در فضای مجازی باید از هرگونه تحقیر و از همه بدتر، مسخ در امان بماند و کرامت او کاملا صیانت شود. بنابراین، ترویج اخلاق و کرامت انسانی و از آن بالاتر، گنجاندن اخلاق و کرامت انسانی در معادلات ریز و درشت فضای مجازی- درست مانند خونی که در رگ‌های انسان در حرکت است- یک اصل راهبردی مهم محسوب می‌شود.

اصل نهم: محوریت پیام در فضای مجازی

هرچند تامین زیرساخت‌های فنی لازم و همچنین نوآوری‌های فناوری در فضای مجازی و به‌طور کل، تقویت بنیه کشور در این زمینه یک اصل مهم و راهبردی محسوب می‌شود، اما نباید فراموش کرد که همه اینها برای جاری شدن آشکار و پنهان پیام‌های ایدئولوژیک ما در فضای مجازی است. با این ملاحظه، جمهوری اسلامی باید نوع نگاه خود را به محتوا در فضای مجازی ارتقا داده و به هنری دست پیدا کند که حتی در بطن و زیرپوست داده‌های اقتصادی نیز پیام‌های ایدئولوژیک که مهم‌ترین آن سبک زندگی اسلامی است، قابل ارائه باشد.

اصل دهم: تعامل و همکاری با کشورها و ملت‌های همسو

ما به‌تنهایی نمی‌توانیم خیلی از اهداف‌مان را در فضای مجازی محقق کنیم، ضمن آنکه نباید خود را در جهان تنها فرض کرده یا دایره ارتباط و تعامل خود را به همفکران عقیدتی‌مان محدود کنیم. آنچه مسلم است، امروز کشورها و ملت‌های معترض به جریان آمریکایی-صهیونیستی در فضای مجازی درحال افزایش هستند و این موضوع چه برای ایجاد سرمایه‌راه‌اندازی شرکت‌های غول فراملی و چه برای شکل‌گیری ائتلافی به رهبری ایران در جهت تامین عدالت در فضای مجازی می‌تواند فوق‌العاده کارساز تلقی شود.

۹ ایده جامع حکمرانی و پیش‌نیاز تحقق آن

براساس آنچه به‌عنوان اصول راهبردی جمهوری اسلامی بیان شد، در ادامه بحث مایلم از الگوی شش‌ضلعی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی که یک الگوی پیشنهادی است، پرده‌برداری کنم. در سال‌های اخیر و با وجود تاسیس شورای‌عالی فضای مجازی و زحمات زیادی که دلسوزان این میدان در زمینه تغییر موقعیت جمهوری اسلامی در مواجهه با فضای مجازی کشیده‌اند، ما هیچ‌وقت «ایده جامعی» برای حکمرانی در این فضا نداشته‌ایم. البته ایده جامع از طرفی از بطن یک ادراک عمیق و همه‌جانبه از فضای مجازی و تحولات جهانی در این عرصه زاییده می‌شود، و از طرف دیگر، زمانی متولد می‌شود که رویکرد انفعالی به فضای مجازی به رویکرد فعال و مبتکرانه تبدیل شده باشد. بنابراین، شاید این انتظار که کشور ما در سال‌های قبل به یک ایده جامع درباره حکمرانی رسیده باشد، انتظار بجایی به شمار نیاید. علاوه‌بر این، روشن است که تحقق ایده جامع نه‌فقط نیازمند عزم و اراده پولادین، بلکه محتاج یک هدایت، یک هماهنگی، یک مانع‌برداری و یک هم‌افزایی جدی در این عرصه است که وظیفه شورای‌عالی فضای مجازی محسوب می‌شود. بنابراین، یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای دستیابی به حکمرانی قوی و پیشتازانه در فضای مجازی، اصلاح و تقویت شورای‌عالی فضای مجازی و نجات آن از دو آفت مهم سطحی‌گرایی و جناح‌زدگی است. به بیان دیگر، همه باید بدانند که تحقق ایده جامع جمهوری اسلامی برای حکمرانی در فضای مجازی به فهم عمیق احتیاج دارد و این فهم نباید قربانی تمایلات جناحی دولت‌ها بشود و هر دولتی هم که سر کار بیاید، باید در مسیر تحقق این ایده گام بردارد.

۹ اضلاع الگوی پیشنهادی برای حکمرانی جمهوری اسلامی در فضای مجازی

ضلع اول: تکمیل و راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات

براساس طراحی کلان شورای‌عالی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات از سه لایه زیرساخت، محتوا و خدمات تشکیل شده است. تاکنون به لطف الهی و با زحمات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بخش مهمی از لایه اول، یعنی لایه زیرساخت شکل گرفته است. با وجود این، باید کاری کرد تا براساس یک نقشه مهندسی دقیق‌تر، ظرف حداکثر دو سال آینده این لایه با همه لوازم آن قابل بهره‌برداری و تست‌های لازم روی آن مثبت باشد. لایه زیرساخت به تنهایی می‌تواند علاوه‌بر تامین سطح خوبی از امنیت، اعم از امنیت ملی و امنیت تک‌تک کاربران چه در حوزه فنی، چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه فرهنگی- سیاسی، فرصت برخورداری از سرعت بالا و قیمت مناسب را فراهم کند، ضمن آنکه شبکه ملی اطلاعات از طریق دروازه‌های هوشمند خود با فضای مجازی جهانی ارتباط دارد و اتفاقا فرصت‌های بیشتر و مقرون‌به‌صرفه‌تری را برای ارتباطات جهانی فراهم می‌کند. با وجود این، سرمایه‌گذاری همه‌جانبه و شروع عملیات شکل‌گیری لایه دوم و سوم باید در دستور کار شورای‌عالی فضای مجازی قرار بگیرد تا همزمان با تکمیل لایه اول بخش مهمی از این دو لایه نیز تمام شود. به نظر من، شبکه ملی اطلاعات از مرزهای ملی و دینی ما در فضای مجازی صیانت می‌کند، ضمن اینکه به سالم‌سازی فضای مجازی و آسوده‌خاطر سازی خانواده‌ها و همچنین به رونق کسب‌وکار در این عرصه هم کمک جدی خواهد کرد.

ضلع دوم: شکل‌دهی به اینترنت دوم یا ایجاد شبکه فراملی اطلاعات

همان‌طور که قبلا اشاره شد، ما باید برای مهار قدرت جریان آمریکایی- صهیونیستی، جهان را به سمت شکل‌گیری اینترنت دوم سوق دهیم. امروز چینی‌ها، روس‌ها و خیلی‌های دیگر از انگیزه لازم برای ورود به این میدان برخوردارند و جمهوری اسلامی می‌تواند بر کسب منافع مشترک خود با دیگران و البته با حفظ شبکه ملی اطلاعات در بطن اینترنت دوم یا شبکه فراملی اطلاعات، به سهم خود در ایجاد شکاف بین آمریکایی‌ها و دیگران نقش‌آفرین باشد.

ضلع سوم: شکل‌دهی یک ائتلاف جهانی برای کاهش اختیارات آمریکایی‌ها در فضای مجازی و ایجاد نظام حقوق بین‌الملل برای فضای مجازی

روشن است که فضای مجازی در شرایط فعلی به شیوه کدخداگری اداره می‌شود و کدخدا خود را به هیچ کس پاسخگو نمی‌داند. شاید بدانید که تا الان تلاش‌های زیادی برای کشاندن مسائل فضای مجازی به سازمان ملل و مجامع وابسته به آن از سوی کشورهای مختلف صورت گرفته، اما با مخالفت و کارشکنی آمریکایی‌ها روبه‌رو شده است. بنابراین، ما باید با تاسیس معاونت فضای مجازی در وزارت خارجه و تربیت دیپلمات‌های زبده و شجاع، به سمت ایجاد یا تقویت ائتلاف‌هایی که خواهان کاهش اختیارات بی‌حد و مرز آمریکایی‌ها در فضای مجازی هستند، حرکت کنیم و در این زمینه از تاثیر دیپلماسی عمومی هم غافل نباشیم.

ضلع چهارم: ایجاد غلبه گفتمانی برای مواجهه معقول و انقلابی با فضای مجازی

هرگونه موفقیت در تحقق الگوی حکمرانی، مستلزم ایجاد فضای ذهنی مناسب به مفهوم باز شدن یک چتر گفتمانی بسیار قوی روی این الگو است. این چتر گفتمانی است که بازیگران داخلی و حتی بین‌المللی همسو با جمهوری اسلامی و فراتر از آن، کل مردم را به صورت خودجوش با سیاست‌های جمهوری اسلامی همراه خواهد کرد و موانع را به‌راحتی از سر راه برخواهد داشت. ما امروز فاقد این چتر گفتمانی هستیم و حتی اجازه داده‌ایم گفتمان‌هایی که با سیاست‌های جمهوری اسلامی همسو نیستند، در جامعه ما رشد کنند. البته ایجاد چتر گفتمانی نه‌تنها متدلوژی خاص خود را دارد بلکه از لوازمی برخوردار است که یکی از مهم‌ترین آن، وفاق نظری میان مسئولان ارشد کشور است.

ضلع پنجم: راه‌اندازی شرکت‌های عظیم غیردولتی با رویکرد فراملی و باز کردن میدان نوآوری

از نظر من، مهم‌ترین ضلع الگوی شش‌ضلعی، ضلع پنجم محسوب می‌شود. چنانچه قبلا نیز اشاره شد، لازمه بازیگری در میدان و قرار گرفتن در مقام قانونگذاری، ایجاد بسترهای مساعد برای شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ دانش‌بنیان از درون فضاهای استارتاپی است. یعنی جمهوری اسلامی باید با ایجاد صندوق مالی قوی و ارائه تسهیلات درشت، زمینه شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان حول طرح‌های خلاقانه را فراهم کند. هرچند در ابتدا این شرکت‌ها در محیط‌های کوچک و محلی شکوفا می‌شوند، اما باید از قابلیت کار فرامحلی برخوردار باشند. البته از آنجا که کشور ما در معرض یک نفوذ سازماندهی‌شده از بیرون است، جا دارد بسترسازی برای شکل‌گیری این شرکت‌ها کاملا محتاطانه باشد. درحال حاضر الگوی Gongo یعنی مجموعه‌های مردم‌نهادی که ارتباط معناداری با دولت دارند، در بعضی کشورها تجربه شده و این تجربه قابل سرایت در ایران است. حتی می‌توان به الگویی دست یافت که امکان جذب سرمایه‌گذار خارجی به شیوه امن را نیز فراهم کند. وقتی شرکت‌های کوچک تدریجا به فعلیت رسید، ادغام این شرکت‌ها با هم با هدف ایجاد شرکت‌های بزرگ‌تر و تواناتر، گام بعدی است که باید برداشته شود.

ضلع ششم: ایجاد بسیج سایبری با رویکرد محتوایی

بسیج سایبری با ارتش سایبری تفاوت دارد. بسیج سایبری، یعنی آموزش و به میدان‌آوری میلیونی مردم در جهت دفاع محتوایی از مرزهای ملی و دینی. درواقع، ما نباید نسبت به حمایت از ارزش‌های اسلامی و انقلابی در فضای مجازی و خنثی‌سازی هجمه‌هایی که به این ارزش‌ها می‌شود، سستی به خرج بدهیم؛ این درحالی است که در سال‌های اخیر، یکی از نقاط تمرکز دشمنان ما عملیات روانی علیه افکار عمومی بوده است. در عین حال، وقتی صحبت از بسیج سایبری می‌کنیم، این بسیج اختصاصی به مردم ایران ندارد و می‌تواند همفکران ما را در اقصی‌نقاط جهان که مهم‌ترین دغدغه آنها ارزش‌های الهی است هم در درون خود جا دهد.

۹ برخی ملاحظات

۱ ممکن است سوال شود که این ۶ برنامه اقدام کلان از یک جنس نیستند و لذا اتصال آنها به همدیگر چگونه قابل توجیه است؟ در پاسخ عرض می‌کنیم که هرچند همه این ۶ برنامه اقدام از یک جنس نیستند، اما در موفقیت همدیگر نقش جدی ایفا می‌کنند؛ از طرف دیگر، این ۶ برنامه اقدام، عمده اهداف جمهوری اسلامی در فضای مجازی را پوشش می‌دهد.

۲ در الگوی مطلوب و پیشنهادی ما، از ابتدا بنا به طرح جزئیات نبود، ضمن آنکه روشن شدن خیلی از جزئیات و فرمول‌های بحث نیازمند شکل‌گیری مطالعات تکمیلی در این عرصه است که در جای خود باید انجام شود.

۳ نباید تصور شود که براساس اصول راهبردی دهگانه‌ای که بیان شد، صرفا می‌توان به همین الگویی که بنده ارائه دادم، دست پیدا کرد؛ به بیان دیگر، ممکن است براساس این اصول، الگوهای دیگری هم قابل طراحی باشد.

۴ برای کسانی که درکی از نقاط قوت و مزیت‌های جمهوری اسلامی ندارند و بدبینی به داخل و ترس از غرب به‌ویژه آمریکا وجودشان را فراگرفته است، زمینه فهم مناسب این الگو و امکان تحقق آن وجود ندارد.

۵ این الگو درصورتی قابل تحقق است که بهره‌برداری از فرصت‌های بی‌نظیر فضای مجازی به اولویت اول کشور تبدیل شده و سرمایه بزرگی برای آن تامین شود.